چرا شد محو از یادِ تو نامم؟

افسانه نجم‌آبادی | ترجمهٔ شیرین کریمی

Is Our Name Remembered?

Afsaneh Najabadi | Shirin Karimi

چرا شد محو از یادِ تو نامم؟

افسانه نجم‌آبادی
ترجمهٔ شیرین کریمی
ویراستار: مریم فرنام
نمونه‌خوان: میترا سلیمانی
مدیر هنری و طراح گرافیک: سیاوش تصاعدیان
مدیر تولید: مصطفی شریفی
چاپ اول، ۱۳۹۹ تهران، ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۴-۱۲-۶۸۶۳-۶۲۲-۹۷۸

Bidgol Publishing co. | انتشار بیدگل

تلفن انتشارات: ۲۸۴۲۱۷۱۷
فروشگاه: تهران، خیابان انقلاب، بین ۱۲فروردین و فخررازی، پلاک ۱۲۷۴
تلفن فروشگاه: ۶۶۹۶۳۶۱۷، ۶۶۴۶۳۵۴۵

bidgolpublishing.com
همهٔ حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

فهرست

سخن مترجم ۷

مقالات ترجمه شده ۱۳

فراسوی قارهٔ آمریکا ۱۵

چرا شد محو از یادِ تو نامم؟ ۳۳

زنان ملت: زنان یا همسرانِ ملت؟ ۷۳

بامداد خمار: رنج سکسوالیته و عشق در ایران مدرن ۱۰۷

لذت خواندن داستان‌های «مکرزنان» برای خوانندهٔ فمینیست ۱۴۷

«نیکوترین داستان» حکایت کیست، زلیخا یا یوسف؟ ۱۸۳

مقالات فارسی ۲۳۳

نقش زن بر متن مشروطیت ۲۳۵

دگرگونی «زن» و «مرد» در زبان مشروطیت ۲۸۹

اقتدار و عاملیت: بازنگری کنشگری زنان در دورهٔ رضاشاه ۳۲۷

نمایهٔ اشخاص ۳۶۵

واژه‌نامهٔ مطالعات جنسیت ۳۶۹

سخن مترجم

برگردانِ این مقالات به زبان فارسی برای من با پرسشی آغاز شد و با یادآوری مسئولیتی شخصی در این دوران به انجام رسید. پرسش این بود که چگونه می‌توان تاریخ را به‌گونه‌ای نوشت که زن در آن غایب و حاشیه‌ای نباشد. افسانه نجم‌آبادی در این مقاله‌ها به این پرسش پاسخ داده است. برای تاریخ‌نگاری، به تعبیر او، آنچه فاقد آن هستیم اسناد و مدارک نیست، بلکه بازخوانی اسناد و مدارکِ موجودِ تاریخی با چشم جویای زنان در تاریخ است. از این رو مسئولیت شخصی مرا واداشت تا این مقالات غنی و ارزشمند را آن‌گونه که درخورِ آن است به سامان درآورم. مقاله‌های این مجموعه نشان‌دهندهٔ ذهن درخشان، پیچیده، پرسشگر و منسجم افسانه نجم‌آبادی است، ذهنی که برای خوانش تاریخ، سیاست و ادبیات و در پی آن نگارشِ تاریخ و تحلیل سیاست و ادبیات پرورده شده است.

به تعبیر رضا براهنی، «زن ایرانی در گذشته نه چهره‌ای از خود نشان داده است و نه به‌دلایل اجتماعی کسی توانسته است چهرهٔ او را به جلوه‌های مختلفش تصویر کند.» افسانه نجم‌آبادی چهرهٔ زن ایرانی را با جلوه‌های گوناگون و اغلب پنهانش برای خواننده تصویر کرده است. نجم‌آبادی را می‌توان پژوهشگر پیشگام و بی‌اندازه سخاوتمند در «گردش اطلاعات آزاد در ایران» دانست. او در وب‌سایت «دنیای زنان در عصر قاجار» اسناد دست‌اول و نایاب را دربارهٔ روزگار قاجار به‌رایگان در اختیار

پژوهشگران قرار داده است، اسنادی که هر پژوهشگری برای دسترسی به آنها می‌بایست چه بسیار کتابخانه‌ها را بگردد. به‌علاوه این مقالات نشان می‌دهند که می‌توان متنی علمی را به‌گونه‌ای نوشت که هر خواننده‌ای از آن لذت ببرد و دچار ملالِ ناشی از خشکی مطالب علمی و تحلیلی نشود. به عبارت دیگر، کار نجم‌آبادی مطالعه و خوانشِ تاریخ با نگاه به جنسیت و سکسوالیته است.

این مجموعه که بخشی است کوچک از تلاش‌ها و تأمل‌های افسانه نجم‌آبادی در تاریخ‌نگاری ایران معاصر دربردارندهٔ نه مقاله است؛ شش مقالهٔ ترجمه‌شده که در ابتدا آمده‌اند در سال‌های مختلف به‌شکل پراکنده در نشریات انگلیسی‌زبان منتشرشده و سه مقاله و جستار دیگر در مجله‌های فارسی‌زبانی همچون نیمه دیگر در دههٔ هفتاد شمسی منتشرشده‌اند. و اما درمورد خود مقالات؛ افسانه نجم‌آبادی مقالهٔ «فراسوی قارهٔ آمریکا» را با این پرسش آغاز کرده است که آیا جنسیت و سکسوالیته دو مقولهٔ کاربردی در تحلیل تاریخی‌اند. او در این مقاله به دغدغه‌های روش‌شناختی و مفاهیم جنسیت و سکسوالیته فراتر از مرزهای جغرافیایی و محدوده‌های زمانی می‌پردازد. مقالهٔ «چرا شد محو از یادِ تو نامم؟» خلاصهٔ کتاب حکایت دختران قوچان است؛ نجم‌آبادی در این کتاب به واقعهٔ فروش و اسارت شماری از دختران قوچان و زنان باشقانلو در اواخر قرن نوزدهم و سال‌های منتهی به انقلاب مشروطه پرداخته است. او این واقعه را از عوامل اصلیِ روشن شدن شعلهٔ انقلاب می‌داند و با مطالعهٔ تاریخ‌نگاری‌های انقلاب مشروطه، ازجمله آثار احمد کسروی، مهدی ملک‌زاده و فریدون آدمیت به این پرسش می‌پردازد که چرا حکایت دختران قوچان در تاریخ‌نگاری‌های بعدی به‌تمامی به فراموشی سپرده شد و چگونه در تاریخ‌نگاری‌های مردانه حکایت دختران قوچان، که به‌لحاظ مضامین موجود در آن رویدادی تأثیرگذار در انقلاب مشروطه بود، بدل به «حادثه‌ای پیش‌پاافتاده» شد؟

به تعبیر افسانه نجم‌آبادی، پژوهش‌هایی که در زبان فارسی و انگلیسی دربارهٔ مشارکتِ زنانِ ایرانی در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و ادبی در

دورهٔ مشروطه انجام شده خود گفتمان‌هایی را شکل داده و بازتولید کرده‌اند. نجم‌آبادی در مقالهٔ «زنان ملت: زنان یا همسرانِ ملت؟» این گفتمان‌ها را نقد می‌کند و به این موضوع می‌پردازد که زنان در روزگار مشروطه چگونه در فضای سیاسی جایگاه خود را مطالبه کردند، چگونه مرزهای محدودکنندهٔ اجتماعی را شکستند و با اسم و فکر و خط‌وربط خود در کنار مردان در مقام هم‌وطن و بخشی از ملت مبارزه کردند. مقالهٔ «نقش زن بر متن مشروطیت» به تناقضات درونی گفتمان مشروطه می‌پردازد؛ گفتمانی که از یک سو گرایش به نگاشتن زن در کنار مرد در مقام همتای مرد داشت و از سوی دیگر در گسترهٔ زبان سیاسیِ مشروطه زن را تحت قیمومیتِ مرد می‌دانست. در مقالهٔ بعد، نجم‌آبادی به دگرگونی‌های مهم زبانی در دو سدهٔ اخیر و، همان‌گونه که از عنوان مقاله پیداست، به «دگرگونی زن و مرد در زبان مشروطیت» می‌پردازد. به تعبیر او این دگرگونی‌ها نسبت به مؤنث و مذکر خنثی نبوده‌اند و برخی از مفاهیم نو نظیر «وطن» مؤنث و برخی دیگر چون «ملت» مذکر نگارش یافته‌اند و این مؤنث/مذکرنگاری در بازنگاری و نونگاری «زن» و «مرد» نیز تأثیر داشته‌اند. نجم‌آبادی با بررسی و تحلیل محتوای جراید زمان مشروطه و روزنامه‌های زنان مانند شکوفه و دانش نشان می‌دهد چگونه زنان مشروطه‌خواه سال‌ها پیش راهی برای نگارشِ خویش بر متن مشروطه گشودند و استدلال می‌کند زبان فارسی به‌لحاظ نشانگان جنسیتی زبانی خنثی نیست، زبانی مردانه است، هنوز زن را از متن حذف می‌کند و آنچه خوانندهٔ زن از متن دریافت می‌کند با آنچه خوانندهٔ مرد از این متون می‌فهمد بسیار متفاوت است.

در ادامه سه مقالهٔ بسیار درخشان و خواندنی از افسانه نجم‌آبادی می‌آید؛ مقاله‌هایی که خواننده را به دنیای سحرانگیزِ داستان‌نویسی و قصه‌های هزار و یک شب و سندبادنامه و «احسن القصص»، داستان یوسف و زلیخا، می‌برد. در اواخر دههٔ ۱۳۷۰ شمسی، ایران رویدادی ادبی را از سر گذراند. رمان بامداد خمار اثر نویسندهٔ زن ناشناخته‌ای به اسم فتانه حاج‌سیدجوادی (۱۳۲۴) در صدر کتاب‌های پرفروش قرار گرفت

و تا یک دهه جزو پرفروش‌ترین کتاب‌ها باقی ماند. نجم‌آبادی در مقالهٔ «بامداد خمار: رنج سکسوالیته و عشق در ایران مدرن» این رمان را از داستان‌های مدرنیست‌های اولیه جدا می‌کند و استدلال می‌کند که چرا این رمان مدرنیست‌های چپ‌گرا و منتقدان فمینیست را برآشفت. نجم‌آبادی معتقد است رمان بامداد خمار طرحی بسیار پیچیده دارد: در این مقاله پرسش اصلی درواقع این است که چه چیزی در رمانِ بامداد خمار وجود دارد که خواندنش را برای طیف وسیعی از خوانندگان لذت‌بخش می‌کند و چه خوانش‌های گوناگونی از این رمان امکان‌پذیر است؟

نجم‌آبادی در مقالهٔ بعد، با عنوان «لذت خواندن داستان‌های مکر زنان برای خوانندهٔ فمینیست»، استدلال می‌کند که اغلب داستان‌هایی که براساسِ مکرِ زنان نگاشته شده است نه دربارهٔ میلِ زن بلکه دربارهٔ خیال‌پردازی‌های بسیار کهنِ مردانه است. در این مقاله نویسنده به امکان خوانش‌های گوناگون از داستان‌های محبوب ایرانی و اسلامی و داستان‌های کهنِ شرقی می‌پردازد، ازجمله خوانش فمینیستی. نویسنده، با تحلیلی که از قصه‌های هزار و یک شب به دست می‌دهد، به این پرسش می‌پردازد که چرا احیای شهرزاد به‌مثابهٔ نیای مادریِ فمینیستِ زنانِ امروز خالی از ایراد نیست. اما درواقع در پایانِ هزار و یک شب شهرزاد مکارترین فمینیست است! آخرین مقاله با عنوان «نیکوترین داستان حکایت کیست، زلیخا یا یوسف؟» با همکاری گاین کارن مرگوریان نوشته شده است. نویسندگان در این مقاله بر داستان یوسف و زلیخا در قرآن و تفاسیر آن تأمل می‌کنند و به‌ویژه بر شخصیت زلیخا، به‌عنوان شخصیت داستانی مهمی که اغلب از او نام برده می‌شود و همچنین بر چگونگی تفسیر مفسران و کارشناسان علوم دینی از نقش او تمرکز می‌کنند. آنها استدلال می‌کنند که ترسیم سکسوالیتهٔ زنانه در هر تفسیر با منطق روایی داستانِ اصلی در همان تفسیر پیوند دارد. به تعبیر آنها دربارهٔ این نیکوترین داستان ما نیازمند خوانش‌ها و بازنویسی‌هایی هستیم که تصویر برساختهٔ زن در مقامِ مکرکننده را به چالش بکشد، خوانش‌هایی که در آن زنان بتوانند این نیکوترین داستان را از تأثیر عمدتاً زن‌ستیزِ تفاسیر قبلی رها سازند.

در مقالهٔ «اقتدار و عاملیت: بازنگری کنشگری زنان در دورهٔ رضاشاه»، نجم‌آبادی، با تمرکز بر فعالیت‌های اجتماعی زنان در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ و بحث‌های جاری درمورد حضور زنان در اجتماع و حجاب زنان، نشان می‌دهد که چگونه در این برههٔ زمانی فعالیت‌هایی که در راه دفاع از حقوق زنان صورت می‌گرفت هم از نظر ایدئولوژیک هم از نظر ساختاری زیرِ سلطهٔ دولت درآمد. نویسنده در این مقاله معتقد است معنای «کشف حجاب» خود پدیده‌ای تاریخی است که گاه در مباحث حول حجاب از آن غفلت می‌شود. نجم‌آبادی به مناظرات و مشاجرات دربارهٔ حجاب در دههٔ ۱۳۰۰ در جراید آن زمان می‌پردازد و به تعبیر او آنچه به‌طور رسمی و قانونی در ایران بعد از انقلابِ اسلامی در مقامِ حجاب مطرح شد همان حجابی نیست که در دهه‌های نخستین قرن بیستم مطرح بود.

از خانم دکتر افسانه نجم‌آبادی برای ارسال مقاله‌های فارسی و حمایتشان در به ثمررسیدن این کار سپاسگزارم. همچنین از آتنا کامل برای همراهی‌اش در تصحیح و تنظیم واژه‌نامهٔ مطالعات جنسیت که در انتهای این مجموعه آمده است بسیار سپاسگزارم. به لطف و دلگرمی دوستانم آنا پروین، سارا محمدی اردهالی، نیایش قربان‌دولتی و حمیدرضا پرنیان این اوراق تهیه و ویراسته‌تر شد. کاوه بهبهانی چند جمله از مقالهٔ «فراسوی قارهٔ آمریکا» را بازترجمه کرد، از لطف ایشان نیز بسیار سپاسگزارم. مسئولیت هرگونه ایراد و کوتاهی در ترجمهٔ این متون به‌تمامی بر عهدهٔ مترجم است.

شیرین کریمی

شیراز، بهار ۱۳۹۸